**نام خلیج فارس (در هزار سال پیش از این)**

**جمالزاده، سید محمد علی**

بمناسبت مناقشات لفظی تأسف‏انگیز که هرچندی یک لار در خصوص نام«خلیج فارس»میان‏ ایران و ممالک یا مملکت از کشورهای همجوار ما بمیان می‏آید بد نیست بدانیم جغرافیون هزار سال پیش به خلیج فارس چه اسمی میداده‏اند و آنرا بچه نامی میخوانده‏اند.

کتاب«حدود العالم،من المشرق الی المغرب»که درست در یک هزاره و ده یازده سال پیش‏ ازین بقلم دانشمندی که نامش هنوز بر ما معلوم نگردیده است تألیف یافته و بکوشش و سعی و دقت و زحمت آقای دکتر منوچهر ستوده سه سال پیش یعنی در اسفند 1340 هجری شمسی در طهران در ضمن انتشارات دانشگاه طهران(شمارهء 727)بچاپ رسیده است مانند ترجمهء فارسی‏ تاریخ طبری و ترجمهء فارسی تفسیر طبری از جمله گرانبهاترین اسناد منثوری است که از آن‏ زمانهای بسیار دور برای ما ایرانیان و برای کلیهء دوستداران آثار ادبی قدیمی ما باقی مانده است.

چنانکه در مقدمهء جامع و موجزی که آقای دکتر ستوده بر کتاب نوشته‏اند میخوانیم:

«جریان پیدا شدن این کتاب و مسألهء چاپ آن تاریخ مفصلی دارد که بداستان بیشتر شبیه است.» و کسانی که بخواهند از تفصیل و داستان کشف و طبع و نشر این کتاب اطلاع بیشتری بدست‏ آورند البته بهتر است که بخود کتاب و مقدمهء آن مراجعه فرمایند و ما درینجا بهمینقدر قناعت‏ میورزیم که باطلاع خوانندگان گرامی برسانم که این کتاب بسیار نفیس و بسیار گرانبها سی‏وسه‏ سال پیش از آنکه در طهران بچاپ برسد اتفاقا در شهر بخارا بدست یکنفر از فضلای ایرانی مکشوف‏ گردید و مورد توجه زاید الوصف کلیهء خاورشناسان و ایرانشناسان نامی واقع گردید.

خاورشناس بزرگ و معروف روسی و.و.بار تولید در تاریخ 18 اوت 1931 یعنی سی‏وسه‏ سال پیش در نامه‏ای که بدوست دانشمند و بزرگوار خود ایرانشناس روسی بسیار مشهور دیگر مینورسکی نوشت مژده میداد که اشکالات فنی در طبع و نشر کتاب«حدود العالم»مرتفع شده است‏ و امید است که کتاب بزودی انتشار یابد.اما افسوس که این نامه وقتی بدست استاد مینورسکی‏ رسید که یکی دو ساعت پس از آن خبر وفات بار تولد در نوزدهم اوت همان سال در روزنامهء«تایمز» لندن منتشر گردید.افسوس و هزار افسوس که این دانشمند عالی مقام و جلیل القدر رفت و نتوانست‏ کار خود را که در انجام آن آنهمه زحمت و مرارت کشیده بود ببیند اما خوشبختانه پس از مرگش‏ این کتاب بهمت دانشمندان و ایرانشناسان دیگر روسیه در جزء«نشریات آکادمی علوم شوروی» بنام بار تولد در تاریخ سال 1930 از چاپ بیرون آمد.

استاد مینورسکی(چنانکه در مقدمهء کتاب بقلم دکتر ستوده میخوانیم)بر آن شد که این‏ اثر هزار سال پیش را بزبان انگلیسی ترجمه کند تا بیشتر در دسترس عموم قرار گیرد،مقدمهء شادروان بار تولد را که بزبان روسی بود بزبان انگلیسی ترجمه نمود و شرح بسیار مفصل و مبسوطی‏ که چند برابر متن خود کتاب است بر آن افزود.

مینورسکی را همه میشناسیم.مرد بسیار شریف و دانشمند بزرگ و بزرگواری است. مملکت ما و فرهنگ ایران را سخت دوست میدارد و عاشق دلباختهء زبان فارسی است بطوری که‏ در نامه‏ای که چند سال پیش از این بافتخار رافم این سطور از انگلستان صادر فرموده نوشته است‏ که«با همه مشکلات و ضعف باصره روزی نمیگذرد مگر آنکه چند سطر فارسی نخوانم و یا ننویسم».پس از مرحوم پرفسور براون گمان نمیرود هیچیک از ایرانشناسان محترم که همه‏ سزاوار احترام و شایستهء تعظیم و تکریم ما هستند بقدر مینورسکی مملکت ما دوست بدارد و بادبیات ما دلبستگی داشته باشد و بزبان و آثار ادبی ما خدمت کرده باشد و وسیله و عامل شناساندن‏ ما و کشور ما و تمدن و آثار ادبی ما باشد.

دکتر ستوده مینویسد«مینورسکی ترجمه‏ای دقیق و ادبی از«حدود العالم»کرده است زیرا این کتاب یکی از نسخ منحصر بفرد و از کتب اولیهء نثر فارسی است و حتی قدیمتر از«شاهنامهء» فردوسی است و کلمات و ترکیبات آن بسیار جالب توجه و قابل دقت است».

در همین ایام اخیر دانشمند با ذوق آقای دکتر غلامحسین یوسفی که از کمبریج و از خدمت‏ استاد مینورسکی از راه ژنو عازم ایران بود خبر آورد که این استاد عزیز با وجود آنکه دچار ضعف قوهء بینائی گردیده و تقریبا حق دارد مانند رودکی از ناسازگاری باصره شکوه ساز نماید (باید تصدیق نمود که چشمان خود را منحصرا در راه زبان و ادبیات فارسی و مت و کشور ما در طول‏ عمر خود بکار انداخته و بصرف رسانده و از دست داده است)باز هم مشغول تهیهء چاپ بسیار کاملتر دیگری از«حدود العالم»است.

چنانکه گذشت«حدود العالم»متجاوز از هزار سال پیش از این سال 372 هجری قمری‏ تألیف یافته است اکنون ببینیم در چنین کتابی در هزار سال پیش دربارهء دریائی که بصورت خلیج‏ پهناوردی در جنوب و جنوب غربی خاک ایران واقع گردیده و در تمام روی زمین و در کتابها و حتی‏ در کتابهای جغرافیائی که در اقطار عالم در دبستانها و دبیرستان‏ها بکودکان درس میدهند بنام«خلیج‏ فارس»(بفرانسه:«گولف پرسیگ»و بانگلیسی«پرشیان گولف»و بآلمانی«پرزی شس گولف») خوانده میشود این دریا یا خلیج را بچه نامی خوانده و یاد کرداند.

در«حدود العالم»(چاپ طهران)تنها یک مرتبه از خلیج فارس نام برده شده است و آن‏ درضمن فصل سوم است که عنوان ذیل را دارد:

«سخن اندر نهاد دریاها و خلیج‏ها»

این فصل در صفحهء یازده شروع شده در سطر چهارم از صفحهء هجدهم پایان مییابد.

در صفحهء دوازدهم در ذکر«دریای بزرگ»یا«بحر الاعظم»که در حق آن آمده است که‏ «حد مشرق این دریا پیوسته است بدریا»اقیانوس شرقی و مقدار سه یکی‏1از خط استوا برین دریا گذرد و حد شمالی ازین دریا از چین آغاز کنند و بر شهراء هندوستان و شهراء سند بگذرد و بر حدود کرمان و پارس بگذرد و همچنین بر حدود خوزستان و حدود بصره و حدود جنوبی ازین دریا از جبل الطاعن آغاز کند و بر ناحیت زابج بگذرد و بر ناحیت فرنگستان و حبشیان‏2رسد و حد مغربی‏ (1)در متن«سیکی».

(2)در متن«جبشیان».

ازین دریا خلیجی است که او گرد1همه ناحیت عرب اندر گردد».

سپس میخوانیم که«این دریا را پنج خلیج است...و[خلیج‏]چهارم خلیج پارس‏ خوانند و از حد پارس برگیرد با پهناء اندک تا بحدود سند».

باید دانست که مؤلف مجهول در باب خلیج سوم چنین نوشته است:

«و سیم خلیج از حد پارس برگیرد در میانهء مغرب و شمال بکشد تا آنجا که میان وی و خلیج ایله شانزده منزل بود بر جمازه و آنرا خلیج عراق خوانند و جای عرب همه اندر میان این‏ دو خلیج است:خلیج ایله و خلیج عراق»

اکنون باید از خداوند مسئلت نمائیم که توفیق خود را رفیق راه استاد مینورسکی،این‏ «تیره‏چشم روشن‏بین»سازد تا کارش را چنانکه شیوهء اوست استادانه با نهایت دقت و حذاقت و تحقیق و حقیقت‏جوئی بپایان رساند و باز اگر مشکلی در میان باقی است(و از قرار معلوم مشکلات‏ بسیار باقی مانده است)روشن گردد و خوشبختانه تسلای قلبی این مرد عزیز که تا حدی مایهء استمالت‏ خاطر گروه انبوه ارادتمندانش در شرق و غرب نیز میباشد این است که اگر دو بینندهء او در راه‏ روشن ساختن آنهمه تاریکی‏های تاریخ و جغرافیا و ادبیات ما بتاریکی گرائیده است ضمیر منیرش‏ همچنان ستارهء فروزانی تابنده است و از برکت وجود ذی‏جودش صدها و هزارها مشکل های تاریک‏ روشن شده است و بلاتردید اینهمه روشنی برای یعقوب کمبریج‏نشین ما حکم پیراهن یوسف را دارد و وقتی مشکل‏ها حل و تاریکی‏هاروشن شود راه تفاهم بین افراد و اقوام هم گشوده خواهد گردید و ظلمت و منازعت از میان بر خواهد خواست و ما نیز جز این آرزوئی نداریم.

ژنو،17شهریور1343

مجلهء یغما:مدرسهء قدیم مستنسریه در بغداد،در کنار دجله است که عمارتی است‏ آجری و استوار،از بیرون مدرسه بساحل دجله کتیبه‏ای از آجر به خط نسخ درشت بدیوار است‏ در تاریخ بنا یا تعمیر مدرسه(درست در نظرم نیست).این مدرسه اکنون موزهء کشور عراق است.

در چند اطاق آن نقشه‏های بسیار قدیم جغرافیائی بدیوار آویخته شده که از نظر تحقیقات و تطورات علمی علمی بسیار ارجمندست.در همهء این نقشه‏ها خلیج فارس به خط نسخ یا کوفی واضح و آشکارا بنام اصلی یعنی«خلیج فارس»نوشته شده.به متصدی موزه عرض کردم با این اسناد که‏ در معرض مطالعهء عموم می‏گذارد دیگر نام خلیج فارس را تغیر دادن برخلاف انصاف و ادب علمی‏ است.بپاسخ تبسمی کرد.

گراور یک نقشهء بسیار قدیم دیگر،سابقا در مجلهء یغما انتشار یافته؛باری،این‏گونه حقایق‏ در پیشگاه جهان علم و تحقیق واژون شدنی نیست.

(1)در متن«خلیجست کاو گرد...».